



این هزینه‌های همزمان

از این مدل اخبار در رسانه‌های تصویری و مکتوب کم ندیده‌ایم؛ اخباری که خبر از تولد چهارقاوهای، پنچ‌قاوهای و حتی بیشتر در خانواده‌ای دریکی از شهرهای کشور می‌دهد. اخباری که هر کس تجربه فرزند آوری را چشیده باشد، می‌فهمد چه روزهای عجیب، سخت و البته شیرینی پیش روی این خانواده است.

شیرینی اش این است که تولد
هر نوزاد، طبیعتاً شادی و شوری
دلنشیین در دل خانواده‌ها ایجاد
می‌کند اما اگر همین نوزادها یکباره
چند نوزاد باشند، با حجم عظیمی از
غافلگیری در برابر نیازهای همزمان
آنها روبرو می‌شویم.
اما پایان این دسته از خبرها،
همیشه وعده‌ای برای رسیدگی
به اوضاع اقتصادی خانواده‌ای که
تاؤگاهان، چهار نفر به تعداد اعضای
خانواده‌شان اضافه شده وجود دارد؛
وعده‌ای که انگار بین حرف تا عملش
فاصله دارد.

اما آخرین خبر حمایتی از این
خانواده‌ها مربوط به بهمن
است؛ زمانی که هنوز کرونایی در کار
نبود و همه چیز رواں عادی و طبیعی

خودش راطی می‌کرد. آن زمان وحید
قبادی دانا، رئیس سازمان بهزیستی
کشور در جمع خانواده‌های دوقلو و
چند قلو از حمایت‌های معیشتی این
سازمان به خانواده‌های دارای چند
قلو برای آینده بهتر کشور گفت: «با
حمایت‌های دولت و در راستای
سیاست‌های ابلاغی جمعیتی رهبر
معظم انقلاب، از این به بعد به تمام
خانواده‌های دارای سه قلو به بالا به
صورت ماهانه کمک هزینه معیشتی
۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومانی پرداخت
می‌شود».

سالانگی هستند تعلق می‌گیرد.
البته قبادی دانا تاکید داشت
حواله‌مان به خانواده‌های
دوقولودار هم هست و از آنها
هم به صورت موردي حمایت
می‌شود: «خانواده‌های دارای فرزند
دوقولوکه مشکلات معیشتی دارند
به این صورت که در دهک درآمدی
یک تاسه هستند، مشمول دریافت
ماهانه مستمر این طرح می‌شوند،
اما خانواده‌های دوقلویی که در
دهک درآمدی چهارتا هفت هستند،
مشمول کمک‌هزینه موردي
می‌شوند».

اقدامی که اگر عملی شود، ارزشمند است اما در این روزها ساعت به ساعت قیمت همه جیز بالا می‌رود و هزینه‌ها برای خانواده‌های چندقولو دار چندین و چند برابر شده است، شاید همین اقدام ارزشمند هم نتواند چاره‌ای اساسی برای مشکلات این خانواده‌های پرچمیعت که با پوشک و شیرخشک و هزینه‌های درمانی، تقریحی و رفاهی نیک کودک که چند کودک و به طور همزمان رویه‌رو هستند، باشد.

حالا و بعد از همه این خبرها، یکی از مادران سه قلودار می‌گوید: «چنین کمک هزینه‌ای تقریباً هزینه یک بار خرد پوشک بچه‌ها در ماه است... ولی همین هم یک قدم به جلو است.»

پک روستا! پک گلخانه

روستای شهابیه خمین، به همت اهالی اش حالابه یکی از پایگاه‌های
اصلی تولیدگل در استان مرکزی تبدیل شده است

گل‌های تولید شده در گلخانه‌های شهابیه / عکس: اینرا

کامل به حرف‌ها و دغدغه‌های مان گوش بدند، پس می‌توانیم تعداد مان را بالا ببریم و اصلاح‌نجمن و یاتشکل دو قولویی شکل بدھیم.» و همین هم باعث شد تا دو قولوها در کشورهای مختلف را رد کنند و بینند که اصل دو قولویی در جهان چگونه است: آن وقت بود که هسته مرکزی انجمن‌شنان را شکل دادند. باریس دانشگاه‌شنan صحبت کردند که بتوانند فراخوان بزنند و دوقلوهای دانشگاه‌های دیگر را هم جمع کنند و در سالان اجتماعات دانشگاه، همایش دو قولوها برگزار کنند: «وبه خودمان آمدیم و دیدیم که همه وقت‌مان در گیر این ماجرا شده است و برنامه‌های فرهنگی، هنری و روزشی را که برای دانشجوهای دو قولوی چینیم و یک نشکل فعال در دانشگاه داریم، این داستان آن قدر ادامه پیدا می‌کند که به سریازی می‌رسد: «چهار و نیم درس را در فرجه امتحانات یادم بدهد.» و بر عکس: ایمان هم درس‌های را که گذرانده بود را به احسان یاد می‌داد: «این چند روزی که درس‌هارا به هم یاد می‌دادیم، کیفیت ش از نتیم طول ترم و تدریس استادها بالاتر بود: این راقط خودمان می‌فهمیدیم.» دو قولوها حتی بیشتر از دیگران عیب‌های قل دیگر خودشان را می‌بینند. ایمان می‌گوید: «اگر جایی من اشتباہ کنم، احسان خوبی زود به من تنکر می‌دهد که نباید این حرفاً مزدی، طرف مقابل ناراحت شد. راست هم می‌گفت: شده بود.» برادران خاصه‌تر ارشاد به شدت معتقد‌کردند که دو قولوها حتی در رشته‌های روزشی هم موفق‌تر از دیگران هستند: «همین که می‌دانند در ذهن هم دیگر چه می‌گذرد، خودش یک قدم مثبت است دیگر: «همان‌گنی بین شان بالاتر می‌رود و حرف هم را در حین بازی بهترمی‌فهمند.»

صبح جلسه‌مان با چه‌ها تمام می‌شود و ساعت یک
ریع به شش، پوتین پوشیده، به پادگان می‌رفتیم.» اما
انجمان دوقلوها ایده‌ای تبود که به سادگی از کناراش
بگذراند. آنقدر که بعد از مدت کوتاهی این انجمان را اول
در دانشگاه و بعد در وزارت کشور و سازمان ملی جوانان
ثبت کردند. بعد از آن وقت ش بود که روز دوقلویی برای
تقویم شخصی خودشان ثبت کنند. روزی که همه چیزش
دو قلو و سه قلو باشد و چه عددی بهتر از بیست و دو مین
روز از دو مین ماه سال؟ «همین شد که ما خانواده بزرگی
از آدمهای شبیه به هم را تشکیل دادیم. به مخابرات
خرفت و نیزه‌نگره کار ایام ایشان را کنی
ایده‌انجمان دوقلوها از زمان دانشگاه و معاشرت با
هم‌کلاسی‌های دوقلوی شان شروع شد؛ آن زمانی که
احساس کردند به واسطه جفت بودن شان می‌توانند
کارهای متفاوتی انجام بدهند: «در همان ترم‌های اول با
چند دوقلوی دیگر در دانشگاه‌مان آشنا شدیم، و قنی
برای یکی از خواسته‌هایمان مثل انتقالی گرفتیم. با هم
تللاش می‌کردیم، می‌دیدیم که بازخوردهای خوب و
حالی از مسؤولان می‌گیریم به این فکر کردیم که وقی
ل اتفاق می‌افتد. اتفاق شد. با انتقالی گرفتیم.

انجمنی برای همه شیوه‌به‌هم‌ها

ایده این انجمن دو قلوه‌ها از زمان دانشگاه و معاشرت با همکلاسی‌های دو قلوی شان شروع شد؛ ازان زمانی که احساس کردند به واسطه جفت بودن شان می‌توانند کارهای متفاوتی انجام بدeneند: «در همان ترم‌های اول به چند دو قلوی دیگر در دانشگاه‌مان آشنا شدیم، وقتی برای یکی از خواسته‌های این مدل انتقالی گرفتیم، با هم تلاش می‌کردیم، می‌دیدیم که بازخوردهای خوب و جالی از مسؤولان می‌گیریم به این فکر کردیم که وقتی امتحانات برگشتند، با این اتفاقات آن‌ها

برادران دوقلوی خاصه تراش از بالا و پایین های زندگی دوقلویی و تاسیس اجمن دوقلوهای ایران می گویند

دوقلوهای ایران متحدد شوید

همه شان از همین خاطرات دارند؛ از همین‌ها که به جای همدیگر، تیک حضور در امتحان پادگان و جلسه خاصی را زده‌اند و قل دیگر سرش جایی دیگر مشغول بوده است؛ مزینی که دوقلوهای دارند و دیگران ندارند. اما هرچه هست، مثل همه ویتگی‌های خاص این دنیا، سخت و آسانی‌های برابری ادار. ایمان و احسان خاصه‌تر از ادو-قولوهایی هستند که تا دل بخواهد به سروکله هم آسیب زده‌اند و کربیستال و شیشه‌ای در خانه نبوهه که از دستشان امان باشد. اما هادر روزهای ۳۲ سالگی، دوش به دوش هم ایستاده‌اند و هر تصمیمی و را از هم حمایت می‌کنند؛ آن‌ها هم تصمیمی مثل تشکیل انجمن دوقلوهای ایران که شاید که جز خودشان، از موقوفیتی خبر نداشته باشد. حال آن‌ها یک تیم ۱۱ هزار تایی از دوقلوهای ایران را تشکیل داده‌اند که دیدن این تعداد از آدم‌های شبیه به هم در کنارهم، خیلی کیف دارد. چند قولوهای ایران

ایمن خاصه تراش قل ارشد است و احسان قل کوچک تر؛ برادرهایی که ادقیقه باهم اختلاف سنی دارند و حالا شبیه ترین آدم ها از نظر ظاهری و قلبی به هم دیگر در این دنیا هستند. این را خودشان می گویند که تجربه های عجیبی از نزدیکی قلب هایشان به هم دارند. انگار از طبقه خواهرو بارداری دوقلوها با بقیه خواهرو برادرها فرق دارد؛ لیکن اینگارنه، حتماً دارد. خودشان می گویند گردنده نشان مدت جنینی در کنار هم نمی تواند در این موضوع تلاش کند. آن‌لت زمانی که شکر را می‌خوردند

زنگ، حند قلمون

قلیل‌هایی که به هم نزدیک است

یمان می‌گوید که آنها حتی به جای هم درد هم کشیده‌اند. «در یکی از بازی‌های فوتbal مان، رباط صلبی پای احسان پاره شد. زمانی که او به داخل تاق عمل رفته بود تا پایش راعمل کند من پشت در تاق عمل ایستاده بودم که پای من شروع به درد عجیبی کرد. درست همان پایی که احسان آن را عمل می‌کرد.» ذوق‌ذوق پایی که باعث می‌شد تنواند سرپا یا مستود و با فشار دادنش بتواند درد آن را بیندازد؛ پایی که آن روز خوب شد، اما دو سال بعد او هم رباط پایش پاره شد: (انگار دردی بود که باید هردو مان آن را تمیره کنی کردیم). این دل به دل دادن‌ها البته فقط مختص به